

# فصلنامه علمی تخصصی رهیافت فرهنگ دینی

سال دوم - شماره پنجم - بهار ۱۳۹۸

اقسام دیدگاه‌های مبتنی بر نقل از آیه میثاق

صغری رادان<sup>۱</sup>  
معصومه ذبیحی<sup>۲</sup>

## چکیده

در تفسیر آیه ۱۷۲ سوره اعراف معروف به آیه ذر و میثاق، مفسران از روایاتی بهره گرفته‌اند و عالمی با نام «ذر» را معتقد شده‌اند که در آن از همه انسان‌ها عهد ستانده شده است و بشر به این میثاق بلی گفته است. اما آیا در کنار هم آوردن روایات ذیل آیه میثاق و دیدگاه‌های مفسران این نتیجه حاصل می‌شود که چند نظریه مختلف با تکیه بر روایات در نوشته‌های تفسیری ثبت شده است؛ من جمله اختصاص آیه به قوم بنی‌اسرائیل و افراد مشرک و خروج ذرات ریز از صلب آدم، خلق روح قبل از بدن، که نشان می‌دهد دیدگاه‌های مبتنی بر نقل نیز دچار گونه‌گونی و اضطراب بوده و علاوه بر نقد و بررسی هر کدام، نقد کلی بر همه روایات را می‌طلبد. لذا با ذکر این دیدگاه‌های تفسیری و ارکان و روایات مدنظرشان، با روش کتابخانه‌ای، نقدی هم در این پژوهش با تکیه بر نظر بزرگانی چون آیت‌الله مکارم شیرازی صورت خواهد گرفت.

کلید واژه: عالم ذر، روایات تفسیری، عهد الست، آیه میثاق.

<sup>۱</sup> استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی یادگار امام (ره) واحد شهر ری (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی یادگار امام (ره) واحد شهر ری

## ۱- مقدمه

عالم ذر و ماجرای اخذ میثاق از انسان‌ها ((وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ)) «به خاطر بیاور زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آن‌ها را برگرفت و آن‌ها را گواه بر خویشتن ساخت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟! گفتند: آری، گواهی می‌دهیم. برای اینکه در روز رستاخیز نگوئید ما از این (توحید) بی‌خبر بودیم.» (از مسائل بحث‌انگیز است که دیدگاه‌های مختلفی درباره آن مطرح شده است. یک شیوه معمول تفسیر، تفسیری است که بر اساس روایات و احادیث رسیده از معصومین بنا شده است. لذا باید دید چه دیدگاه‌هایی مبتنی بر روایت ذکر شده است، اخباریون با توجه به روایات تنها نظریه مشهور یعنی عالم ذر را ذکر ننموده‌اند و نظرات دیگری نیز دارند. لذا در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای ابتدا به این سؤال پاسخ داده می‌شود که روایات عالم ذر فقط یک نظر را موجب شده‌اند یا بیش از یک نظر سپس با ذکر همه این دیدگاه‌ها به واکاوی آن‌ها پرداخته و موردنقد و بررسی قرار می‌گیرند.

شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در رساله اعتقادات تصریح می‌کند که پیامبر اسلام در عالم ذر نسبت به سایر پیامبران در اقرار به خداوند پیشی گرفت و سایر پیامبران نیز بر اساس سبقت آن‌ها در اقرار، پس از پیامبر اسلام در جایگاه‌های خود قرار گرفتند. (ابن بابویه، ۳۸۱ق: ۹۳) گزارش‌های دیگر شیخ صدوق در رساله اعتقادات که همین روایت و برخی روایات دیگر را نقل کرده است نشان می‌دهد که وی به خلقت واقعی ارواح قبل از ابدان و حیات آن‌ها در عوالم دیگر و عهد گرفتن از آن‌ها باور داشته است. (ابن بابویه، ۳۸۱ق: ۴۷-۴۸) و شیخ مفید (م ۴۱۳ق) در تصحیح الاعتقادات و المسائل العکبریه بیان می‌کند که آیه مربوط به اخراج ذریه است و درباره اقرار و شهادت آن‌ها در آن -جا سخن می‌گوید و عهد گرفتن خدا این بوده است که لوازم تکلیف هم چون عقل را برای آنان قرار داده است و پاسخ ذر بدان معنا بوده است که آنان این لوازم را پذیرفته‌اند. به اعتقاد شیخ مفید آن چیزهایی که آدم در عرش دیده و از خدا درباره آن‌ها سؤال کرده است تماثیل آل محمد (علیهم السلام) بوده است که صورت فرزندان آدم در آینده را داشته است ولی این که ذوات آن‌ها قبل از آدم موجود باشد قطعاً باطل است و آن را تناسخ می‌داند. (مفید، تصحیح اعتقادات، ۱۴۱۳ق: ۸۰-۸۷؛ مفید، المسائل العکبریه، ۱۴۱۳ق: ۲۸) و سید مرتضی نیز در کتاب غررالفوائد و دررالقلائد که راه استاد خود شیخ مفید را ادامه می‌دهد نکته‌ای را نیز بیان می‌کند که اخذ اعتراف مربوط به همه فرزندان حضرت آدم نیست، بلکه از آن افرادی است که پدران کافر و مشرک داشته‌اند. (علم الهدی، ۱۳۲۵ق: ۲۰/۱) مفسران شیعه و سنی نیز ذیل آیه ۱۷۲-۱۷۴ سوره اعراف، معروف به آیه میثاق، درباره عالم ذر به بحث پرداخته‌اند. از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد نیز می‌توان بررسی بازتاب آیه الست در آثار شاخص تفسیری و عرفانی تا پایان قرن هشتم،

بررسی و نقد عالم ذر از دیدگاه متکلمان اولیه شیعه، تحلیل و بررسی روایات مربوط به عالم ذر، بررسی آرای مفسرین معاصر فریقین در تفسیر آیه ذر و تنهاترین رساله دکتری شامل پایان‌نامه‌ای با عنوان عالم ذر را نام برد.

در میان این پایان‌نامه‌ها که غالباً مربوط به درجه کارشناسی ارشد بوده فقط به گردآوری مطالب پرداخته برای نمونه یکی از این پایان‌نامه‌های با درجه کارشناسی ارشد که مرتبط‌تر است در چکیده خود چنین بیان داشته است: "در این پایان‌نامه، آیه ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره اعراف با استفاده از کتب تفسیری و روایی فریقین بررسی شده است. عناوین موضوعات آن به‌قرار ذیل است: مفهوم واژه در دیدگاه‌های مختلف و آیات قرآن، تاریخچه بحث، مفاد ظاهری آیه الست، متن پیمان الست، انگیزه اخذ میثاق، اقرار به ربوبیت خداوند و عبودیت خود، عمومیت اخذ میثاق، آراء پیرامون آیه الست، بررسی آیه الست در روایات فریقین"، کاملاً مشخص است که فقط کار گردآوری را انجام داده است و هیچ‌گونه نقد و تحلیلی نشده است. یکی دیگر از پایان‌نامه‌ها فقط به بررسی روایات مربوط به آیه و دیگری به بررسی عوالم موجود و نظریه ملاصدرا پرداخته است. دسته‌ای از پایان‌نامه‌ها به بیان نظرات گروه خاصی (شیعه، اهل سنت، عام و خاص و ...) پرداخته‌اند. برخی در قالب انواع عوالم، به‌اختصار به این آیه و برخی در باب فطرت به آیه ذر پرداخته‌اند. پایان‌نامه‌های بسیاری هم به بررسی نظریه یک فرد خاص، علامه طباطبایی، ملاصدرا و ... پرداخته‌اند. (اورنگ، ۱۳۸۷؛ سیفی، ۱۳۹۲؛ علی‌پور، ۱۳۹۱؛ سجادی، ۱۳۹۴) در رساله دکتری مربوطه هم به بررسی آراء گذشته به‌صورت محدود (۳ مورد) انجام شده است. نویسنده در چکیده چنین اذعان داشته است: "ضمن نقد و بررسی دیدگاه‌های منکران و مثبتان عالم ذر نظریه تفسیری صاحب‌المیزان رحمه الله را منطبق با روح آیات قرآنی و احادیث و دیدگاه‌های عرفا و فیلسوفان تشخیص داده و بدان رأی سپردیم." اما در بررسی متن رساله بیشتر به تبیین مفردات آیه و بررسی روایات و نهایتاً بحث کلامی مربوط به نظریه علامه طباطبایی و پرورش این نظریه پرداخته است. (عبداله‌ادی کریمی، ۱۳۸۲) کار نقادانه دیگر مربوط به فصل دوم کتاب منشور جاوید آیت‌الله سبحانی است که نظریه‌های دیگر را نقد مختصری نموده و از طلبه و علمای دیگر خواستار نظریه دیگری شده‌اند. (سبحانی، ۱۳۷۳؛ ش: ۶۶/۲) در نگاه اول به تفاسیر این‌گونه به نظر می‌آید که مجموعه‌ای از روایات متواتر موجب شده است تا مفسر نگاه اجتهادی به تفسیر آیه نداشته باشد و بنا را بر روایات گذاشته که عالمی به نام ذر در روایات هست و با آن که ایرادات عمده به این تفسیر هست، پیش‌فرض بسیاری از مفسران را شکل داده است. پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های فراوانی نیز بر این اساس نوشته شده است، که گاه آن‌قدر زیاد هستند که نیاز به ذکر نیست، اما با نگاه موشکافانه می‌توان در میان سخنان بزرگان به نظرات دیگری رسید که آن‌ها هم از روایات هرچند معدودتر نشأت می‌گیرند، پس

به قطع نمی‌توان گفت فقط نظری بر اساس روایت باید داشت زیرا روایات دیگری است که باید صحت روایات، تناقض آن‌ها و ..... و بسیاری موارد دیگر را بررسی کرد. پس اهمیت نگاشته را در آن دریافته که مجموعه‌ای از این نظرات یکجا جمع شود، تا نگاه تک‌بعدی به تفسیر آیه برداشته شود و دیدگاه‌های دیگر هم موردنظر قرار گیرد و نقد و بررسی انجام شود. لذا انواع دیدگاه‌های برداشت‌شده از روایت به شرح ذیل بیان می‌شود.

## ۲- دیدگاه‌های مختلف مبتنی بر روایات

### الف: افراد مشرک

طبرسی در مجمع‌البیان این قول را به جبایی و قاضی عبدالجبار نسبت می‌دهد که معتقدند مقصود آیه، همه فرزندان بنی‌آدم نیستند، بلکه گروهی خاص بر این پیمان بوده‌اند که پدرانی مشرک داشته‌اند و آدمیان از ظهور بنی‌آدم خارج نشده، بلکه از صلب خود آدم خارج شده‌اند. پس آیه شامل همه فرزندان و نسل حضرت آدم نیست. (طبرسی، ۱۹۹۵: م/۴/۳۹۲)

شریف مرتضی درباره آیه بحث جالبی کرده است که خلاصه آن این است: اخذ اعتراف مربوط به همه فرزندان حضرت آدم نیست، بلکه از آن افرادی است که پدران کافر و مشرک داشته‌اند. به گواه اینکه در آیه ۱۷۳ می‌گوید: (أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ). در این صورت باید گفت: آیه مربوط به گروهی است که در این جهان بالغ و کامل شده‌اند و آنچه را که پیامبران خدا برای آنان آورده بودند، آگاه شده و به آن اقرار نمودند و به‌گونه‌ای بر خویشان گواهی دادند. پس اختصاص به اولاد کفار دارد؛ زیرا آیه مبارکه هدف از اخذ میثاق را اتمام حجت در روز قیامت بر اولاد مشرکین دانسته است، تا آنان احتجاج نکنند که شرک ما معلول شرک پدرانمان بوده است. لیکن این تحلیل از آیه با حضور اولاد کفار متناسب است، نه با حضور کلیه بنی‌آدم.

به اعتقاد وی، ظاهر آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه خداوند، فرزندان بنی‌آدم را از پشت آن‌ها بیرون کشید، نه فرزندان آدم را از پشت آدم<sup>(۴)</sup>. دلیل عقلی بر استحاله وجود انسان به صورت ذری و تکلیف کردن او، پیش از این مورد بحث و بررسی قرار گرفت؛ اما مخالفت ظاهر آیه با اخراج ذریه آدم از پشت او، جای بحث و گفتگو دارد؛ زیرا روشن است که بیرون آوردن ذریه فرزندان آدم از پشت آن‌ها، با بیرون آوردن همه فرزندان آدم تا قیامت از پشت او هیچ منافاتی ندارد؛ زیرا در هر دو صورت، همه فرزندان آدم<sup>(۴)</sup> تا قیامت در آن عالم بیرون آمده و حاضر شده‌اند؛ ولی در یکی، کیفیت اخراج ذریه بیان شده و در دیگری بیان نشده است. آری، اگر در

آیه شریفه می‌فرمود: «خداوند، ذریه حضرت آدم را از پشت او بیرون آورد.» ممکن بود توهم شود خداوند، فرزندان بلافصل او را از پشت او بیرون آورد، نه همه فرزندان او را تا قیامت. (علم‌الهدی، ۱۴۱۰:ق/۱۱۳-۱۱۴) لازمه این نظریه این است که «مِنْ» در عبارت (مِنْ بَنِي آدَم) برای تبعیض باشد، نه بیان. در صورتی که ظاهر این است که «مِنْ» بیانیه است، نه تبعیضیه و بیشتر مفسرین بیانیه دانسته‌اند (دو نظریه‌ای که افراد مشرک و بنی‌اسرائیل را بیان داشته‌اند "من" تبعیضیه است و مابقی نظرات بیانیه است که هر کدام در جایگاه خود ذکر شده‌اند). به گواه آیه بعدی این نظر چندان استوار نیست؛ زیرا آیه بعدی به منزله حکمت این گواهی‌گیری است، نه علت؛ یعنی چون احتمال دارد که مشرک بودن پدر عذری در آخرت باشد، ما این کار را انجام دادیم تا باب عذر بسته شود، ولی لازم نیست که این حکمت در تک‌تک افراد موجود باشد. (سبحانی، ۱۳۷۳:ش: ۶۷-۷۴)

اگر مقصود این است که گروهی که پدران آنان مشرک بودند، ولی در سایه تعالیم پیامبران به آغوش توحید بازگشته و به وحدانیت خدا اعتراف نمودند، چرا باید این مطلب به نحوی ادا نگردد که در ادای مقصود روشن باشد؟

ب: قوم بنی‌اسرائیل

گرچه نظریه مستقلی نیست، اما برخی تفاسیر بحث عام بعد از خاص را ذکر نموده‌اند. شاید این‌طور به نظر برسد که بتوان به‌عنوان نظریه‌ای از تفاسیری چون اُتوار التنزیل و کشف برداشت نمود. از این‌رو به نقد آن نیز پرداخته می‌شود تا بیان شود آیا آیه مبارکه که عامی بعد از آیات خاص، عهد از بنی‌اسرائیل است، حجیت دارد یا خیر؟ (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق: ۴۱/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷:ق/۱۷۶)

مهم‌ترین اشکال این است که چرا ظاهر آیه مانند آیات قبل نگفته «من بنی اسرائیل» و از لفظ بنی‌آدم بهره برده است؟ استفاده از سیاق در فهم آیات باید از ضوابط معینی پیروی کند و هر کسی ذوق و سلیقه خود را بر آیه قرآن تحمیل نکند و این کار با احتیاط کامل و با اندیشیدن بسیار صورت گیرد. برخی از ضوابط استفاده از سیاق در فهم آیات بدین قرار است: دلالت سیاق باید به‌صورت شفاف باشد. دلالت سیاق از باب ملازمات عقلیه لفظ است. لازم است این التزام یک لازم قریب باشد؛ زیرا استفاده از لازم بعید ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند. سیاق با ادله دیگر تعارض نداشته باشد. گاهی ممکن است سیاق اقتضایی داشته باشد که با ادله دیگر در تعارض باشد. در چنین شرایطی بدون شک، ادله دیگر مقدم بر سیاق است. استناد به سیاق آیات قبل و بعد در صورتی حجت است که مجموع آیات با هم و یک‌جا نازل شده باشند. البته اگر دلیل روشنی در دست نباشد که آیات مورد نظر یک‌جا نازل نشده‌اند، همین مقدار کافی است، چون

اصل بر پیوستگی آیات است، مگر آنکه دلیلی بر ضد آن اقامه شود. در مجموع ارتباط صدوری در نزول، ارتباط موضوعی و عدم تعارض سیاق با قرینه‌ای قوی‌تر را در بهره بردن از سیاق باید در نظر گرفت. (ستوده نیا، ۱۳۹۰ش:ص ۷۳-۸۹) باید ذکر شود در هیچ منبعی، مطلبی که اذعان کند آیه ۱۷۲ با آیات قبل نازل شده و یا تفسیر مرتبط با آیات قبل به جز بحث عام و خاص ذکر نشده است و کاملاً برعکس، تمامی منابع تفسیری با آیات بعد در نظر گرفته‌اند، به‌ویژه تفاسیری که به سیاق اهمیت ویژه‌ای می‌داده‌اند. تنها تفسیری که به‌طور مستقیم از بحث سیاق بهره برده و آن هم با آیات بعد هم‌سیاق دانسته است نه ماقبل، تفسیر احسن الحدیث است. (قرشی، ۱۳۷۷ش: ۳۹/۳۹)

پ: خروج ذرات ریز از صلب آدم

نظریه مشهور این است که خداوند هنگام آفرینش آدم، تمام فرزندان آینده او را به‌صورت موجودات ریز درآورد و به آنان گفت: (أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟) آنان گفتند: «بلی»، سپس همگی را به صلب آدم باز گردانید. (طبرسی، ۱۹۹۵م: ۳/۴۹۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۲/۶۰۵-۶۱۵) این نظریه مبتنی بر دلالت ظاهری برخی روایات است. طبق این دیدگاه، مقصود از آیه این است که فرزندان آدم تا واپسین فرد بشر (تا پایان دنیا) به صورت ذرات کوچکی از پشت آدم خارج شده‌اند و به تعبیر برخی روایات، این ذرات از گل آدم بیرون آمده و فضا را پر کرده‌اند، (کلینی، ۱۳۵۰ش: ۲/۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۵/۲۵۷ و ۶۴/۱۱۱) در حالی که دارای عقل و شعور کافی بر سخن شنیدن و پاسخ گفتن بودند و خداوند به آن‌ها خطاب کرد: (أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟) آن‌ها گفتند: آری. تا پیمان نخستین بر توحید گرفته شود و خود انسان بر خویشتن شاهد باشد و پیمان تشریحی و قرارداد خودآگاه میان انسان‌ها و پروردگارشان بوده است. طبق این نظریه، اخذ میثاق به جهت عذر و بهانه و اتمام حجت بر فرزندان آدم بوده است. در میان پیشینیان، اندیشمندانی همچون نصر بن عربی، محمد بن کعب القرظی، مجاهد و ابی بن کعب این دیدگاه را پذیرفته‌اند. (سلیمانی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۰)

افزون بر این، به سعیدبن مسیب، سعید بن جبیر، ضحاک، عکرمه، کعبی، حسن و سدی نسبت داده شده است. (سلیمان عمر، ۱۴۱۳ق: ۷۲) و از مفسران شیعه علی بن ابراهیم قمی (قمی، ۱۳۶۷ش: ۱۱/۲۴۸) این قول را پذیرفته و از محدثان هم از ظاهر عبارت مجلسی فهمیده می‌شود که طرفدار این نظر است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: بحارالانوار، ۱۴۱/۶۱؛ مجلسی، ۱۳۷۰ش: ۷/۴۴) بیشتر مفسران اهل سنت، به ویژه قدمای آنها به وجود عالم ذر معتقد بوده‌اند و از میان آن‌ها می‌توان به ابن کثیر، (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۲/۲۵۱) و فخر رازی (فخرالدین الرازی، ۱۴۱۱ق: ۵/۵۱) آلوسی (آلوسی، ۱۴۰۵ق: ۹/۱۰۳) اشاره کرد. از متکلمان هم شیخ صدوق، شیخ مفید و سید مرتضی تا آنجا که مربوط به اخراج ذریه از صلب آدم باشد، پذیرفته‌اند، ولی سخن گفتن انسان‌ها را رد

کرده‌اند. از فلاسفه هم، از مجموع آنچه در مفاتیح الغیب و الاسفار و عرشیه ملاصدرا آمده است، می‌توان او را از طرفداران این نظریه دانست؛ (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱ش: ۱۳۷) گرچه به تأویل روایات وارده در این مورد معتقد شده است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱ش: ۱۳۷) از متأخران هم می‌توان از مرحوم مروارید و میرزا جواد آقا تهرانی نام برد که اعتقاد به عالم پیشین و این اقرار گرفتن بوده‌اند. (حسنعلی مروارید، ۱۴۱۸ق: ۹۹)

این نوع تفسیر یک نوع تناسخ‌گرایی است که بطلان و بی‌پایگی آن از ضروریات دین اسلام است، زیرا روی این اساس، تمام انسان‌ها یک‌بار به این جهان گام نهاده‌اند و پس از یک زندگی کوتاه، رخت از این جهان بسته و بار دیگر به تدریج به این جهان بازگشته‌اند. این همان تناسخ است که محققان اسلامی آن را محکوم کرده‌اند. به قول شیخ مفید، این اخبار مربوط به اهل تناسخ است و اخلاط حق و باطل باهم است. (مفید، اجوبه المسائل السوریه، ۴۰-۳۷)

ج: خلقت روح پیش از بدن

روایاتی رسیده که بر این صراحت دارند که ارواحی که قبل از بدن‌ها وجود داشته، دارای عقل و شعور بوده‌اند و خداوند متعال خود را به آنان معرفی کرده است. پس ایمان مؤمن و کفر کافر بعد از معرفت و دلیل روشن بوده است و اختلاف ارواح در ایمان و کفر، بعد از معرفی خداوند متعال به آنان بوده است. عماره می‌گوید نزد امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> نشسته بودم که مردی پیش آمد و سلام کرد و آنگاه گفت: ای امیر مؤمنان، سوگند به خدا دوستت دارم. حضرت از او سؤال کرد و سپس به او گفت: ارواح دو هزار سال پیش از بدن‌ها آفریده شدند، آنگاه در هوا جای گرفتند. آنانی که آنجا باهم اتلاف داشتند، اینجا هم باهم آشنایی و دوستی دارند و آنانی که آنجا باهم اختلاف داشتند، اینجا هم باهم اختلاف دارند. همانا روح من با تو اختلاف و دشمنی دارد. امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> با یاران خود نشسته بود. مردی آمد و به حضرت سلام کرد و گفت: سوگند به خدا دوستت دارم و تو را ولی خود می‌دانم. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> به او فرمود: آن‌گونه که می‌گویی نیستی. وای بر تو! همانا خداوند متعال ارواح را دو هزار سال پیش از اجساد آفریده و دوستان ما را به ما نشان داد. سوگند به خدا روح تو را در میان آن‌ها ندیدم. پس تو کجا بودی؟! در این هنگام ساکت شد و دیگر به آن حضرت مراجعه نکرد». امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> فرمود: «همانا خداوند متعال ارواح را دو هزار سال پیش از بدن‌ها آفرید و آنگاه که آنان را به بدن‌هایشان مرکب نمود، مؤمن و کافر بودنشان را و ابتلائات و امتحان‌هایشان را و کردارهای بد و خوبشان را در چیزی به اندازه گوش موش بر پیشانی آنان نوشت و در این باره بر پیامبرش این آیه را نازل کرد: «همانا در این نشانه‌هایی برای فراستمدان است»، و رسول خدا<sup>(ص)</sup> فراستمند بود. و من بعد از او و امامان از فرزندانم همه فراستمندیم. امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمود: «همانا

ارواح لشکرهای گردآمده‌ای هستند. آنان که به هنگام عهد و میثاق با هم دوستی و آشنایی داشتند، در اینجا هم با هم ائتلاف دارند و آنان که با هم به هنگام میثاق، دشمنی و اختلاف داشتند، - اینجا هم با هم اختلاف دارند- و عهد و میثاق در این حواله‌هاست...». «فما تعارف منها...» یعنی ارواحی که میانشان در توحید و دیگر معارف، در آنجا آشنایی و توافق بود، در دنیا هم الفت و آشنایی خواهند داشت و آنان که در آنجا میانشان مخالفت و دشمنی بود، در این دنیا هم دشمنی و اختلاف خواهند داشت. امام صادق می‌فرماید: «همانا خداوند متعال از بندگانش در حالی که سایه‌هایی (أظله) بودند، پیش از به دنیا آمدن، میثاق و پیمان گرفت. ارواحی که با هم آشنایی داشتند، اینجا هم آشنایی دارند و ارواحی که با هم مخالفت داشتند، اینجا هم مخالفت دارند». این روایت دلالت دارد بر اینکه منظور از «أظله» ارواح است و تعبیر از ارواح به اظله به دلیل زیادی لطافت آنها است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: بحارالانوار، ۵/۲۲۶)

### ۳- نکات و نقدهای مربوط به این دیدگاه‌ها و روایات

علامه مجلسی روایات این باب را قریب به تواتر می‌شمارد و می‌نویسد: "بدان که اخباری که در این باب ذکر شد و روایاتی که ما در باب بدء خلق رسول و ائمه<sup>(ع)</sup> ذکر کردیم به تواتر نزدیک است." و در جای دیگر در پاسخ اعتراض شیخ مفید روایات این باب را مستفیض شمرده است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۶/۲۵۵) عبدالنبی عراقی روایات این آیه را متواتر می‌داند و می‌نویسد: "این طایفه، در بین اخبار، تواتر لفظی دارد." (عراقی، ۱۳۸۲ق: ۱۸۶) و در این باب ۲۶ روایت را ذکر می‌کند که تعدادی از آنها تکراری است. سید نعمت‌الله جزائری (ره) در مورد آیه ذر می‌نویسد: معنای آیه ذر در روایات، عالم ذر و عالم اخذ میثاق از بندگان بر ربوبیت خدای تعالی، نبوت پیامبر<sup>(ص)</sup> و امامت و اطاعت از اهل بیتش می‌باشد و این روایات، مستفیض، بلکه متواترند. و در جای دیگر می‌گوید: "روشن است که برای کنار گذاشتن اخباری که در باب عالم ذر وارد شده است، هیچ راهی وجود ندارد". (حر عاملی، ۱۴۱۸ق: ۴۲/۱) شوکانی در قرن دوم: در این معنا روایات به طریق کثیری به صورت موقوف ذکر شده است. (شوکانی، ۱۴۱۴ق: ۳۰۱/۲) ابن جوزی در قرن ششم روایاتی را به ترتیب برشمرده که موقوف از ابن عباس است و تابعین وقف به وی داشته‌اند و بیان کرده است که این روایات در حقیقت موقوف و واحد است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۱۶۸/۲)

طبرسی گفته است، جماعتی از مفسرین روایاتی را ذکر نموده‌اند که برخی مرفوع و برخی موقوف است و طبق آن آیه را تأویل نموده‌اند و حال آنکه خلاف ظاهر آیه است. (طبرسی، ۱۹۹۵م: ۴/۷۶۵) در محررالوجیز چنین آمده که این روایات برخی از طریق عمر بن خطاب بو عبدالله بن عباس به پیامبر رسیده که برخی در مورد زمان هبوط و برخی درباره زمان خلقت آدم<sup>(ع)</sup> است. برخی روایات از کلمه "ذر" و بعضی "خردل" بهره



برده است. بعضی ظهر و بعضاً یمین عنوان شده است. و در نهایت به نقل از قاضی ابو محمد توجه به این روایات را نادرست دانسته است. (اندلسی، ۱۴۲۲ق: ۲/۴۷۵) بغوی پس از ذکر نظر دیگران درباره ضعف اسناد، خود نیز این روایات را منقطع الاسناد و برخی را واقفه ذهبی دانسته است. (نیشابوری، ۱۴۱۵ق: ۱/۳۴۶) قرن هشتم و بغدادی که این روایات را اگرچه با طرق کثیره پذیرفته، اما اذعان کرده که این روایات با اسناد غریب هستند. (بغدادی، ۱۴۱۵ق: ۲/۲۶۵) ابن کثیر این روایات را از غرائب دانسته که از عده کثیری نقل شد اما بسیاری از مرفوعات و مرسل هستند و علم آن را به خدا واگذار کرده است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳/۴۵۴) کاشانی در منهج در قرن دهم گفته است در این باب روایات متعدده نقل کرده‌اند و بعضی مرفوع و بعضی موقوف و آیه مذکوره را به آن تأویل کرده‌اند و محققان رد این تأویل نموده گفته‌اند که ظاهر آیه شاهد است برخلاف آن. (کاشانی، ۱۳۳۶ش: ۴/۱۴۰)

و اما قرن اخیر سید عبدالحسین طیب عنوان کرده که این آیه شریفه از مشکلات آیات بلکه از متشابهات قرآنی است و تأویلات و تفسیرهای حاکمان و متکلمین و مفسرین در این آیه زیاد است و نقل کلمات آن‌ها و رد و ایراد هر یک بر دیگری بسیار و از طور این کتاب خارج و اخبار وارده در این باب کثیر است در برهان ۳۶ حدیث از کافی کلینی و من لا یحضر صدوق و امالی طوسی و سید رضی و عیاشی و غیرهم روایت کرده و در مجمع البیان این احادیث را رد کرده بدعوی اینکه اینها بین موقوفه یا مرفوعه است و رد اینها بعد از اخذ از کتب معتبره و فوق حدّ تظافر من حیث السند بسیار مشکل است بلی من حیث الدلاله می‌توان گفت از متشابهات اخبار است و بالجمله اسلم این است که ردّ علم آن را به خدا و راسخون در علم نمائیم. (طیب، ۱۳۷۸ش: ۶/۲۵)

بانو امین نظریه عالم ذر را قول جماعتی از مفسرین دانسته که برای اثبات آن تمسک به روایاتی کرده‌اند که بعضی مرفوعه و بعضی موقوفه است و اهل تحقیق این تأویل را ردّ نموده‌اند به این که قرآن به خلاف آن شهادت می‌دهد. (امین، ۱۳۶۱ش: ۵/۳۱۸) و در این زمینه به گفته طبری اشاره کرده که احادیث را موقوف و مرفوع و مخالف قرآن دانسته است. (طبری، ۱۳۹۲ق: ۹/۷۵) تفسیر احسن الحدیث از اضطراب در متن پرده برداشته است که بعضی از آن‌ها حکایت از مطلق اخذ میثاق دارد و بعضی حاکی است که خدا فرزندان آدم را به صورت ذره‌ها از صلب او خارج کرد. (قرشی، ۱۳۷۷ش: ۴/۴۲) مکارم شیرازی چنین بیان داشته که اگر درست روایات را گروه‌بندی و تجزیه و تحلیل کنیم و اسناد و محتوای آن‌ها را بررسی خواهیم دید که نمی‌توان روی آن‌ها به‌عنوان یک روایت معتبر تا چه رسد به‌عنوان یک روایت متواتر تکیه کرد. بسیاری از این روایات از "زراره" و تعدادی از "صالح بن سهل" و تعدادی از "ابو بصیر" و تعدادی از "جابر" و تعدادی از "عبدالله سنان" می‌باشد روشن است که هر گاه شخص واحد روایات متعددی به یک مضمون

نقل کند همه در حکم یک روایت محسوب می‌شود با توجه به این موضوع تعداد روایات فوق از آن عدد کثیری که در ابتدا به نظر می‌رسد تنزل می‌نماید و از ۱۰ الی ۲۰ روایت شاید تجاوز نمی‌کند. این از نظر سند، اما از نظر مضمون و دلالت مفاهیم آن‌ها کاملاً با هم مختلف است بعضی موافق تفسیر اول و بعضی موافق تفسیر دوم است و بعضی با هیچ کدام سازگار نیست. به علاوه روایات فوق بعضی دارای سند معتبر و بعضی فاقد سند می‌باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۷-۱۰-۱۱)

و اما در باب روایات، پیشوایان معصوم شیعه برای تشخیص حدیث صحیح از غیر آن، معیاری بیان داشته و به ما دستور داده‌اند که مطابق این معیار، حدیث صحیح را از غیر صحیح تشخیص دهیم و آن این است که به حدیثی که مخالف قرآن باشد، نباید اعتماد کرد. (وسایل‌الشیعه، ج ۱۸، ص ۷۸ و ۷۹) این بخش از احادیث با ظاهر آیه ۱۷۲ اعراف مخالف است. از طرفی با استناد به آیات دیگر، هر انسان پیش از زنده شدن جزو اموات بوده (بقره، ۲۸) و هنگام دنیا آمدن از مادر چیزی نمی‌دانسته است (نحل، ۷). پس نمی‌توان به این روایات تکیه کرد. اشکال دیگر اینکه تفسیر آیه به عالم ذر با جمله (إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا) که سخن ذریه است، منافات دارد؛ زیرا این جمله دلالت دارد که ذریه پدران مشرکی داشتند و از آن‌ها تبعیت کردند، درحالی‌که در آن عالم شرکی نبود تا خداوند از آن‌ها تعهد گیرد که در قیامت نگویند پدران ما مشرک بودند. و پاسخ آن این است که این پیمان تنها به عالم ذر مربوط نبود که گفته شود در آنجا پدران آن‌ها مشرک نبودند و یا اگر مشرک بودند، توان تحمیل شرک خود را نداشتند، بلکه به این عالم هم مربوط می‌شود؛ عالمی که پدر بیشتر آن‌ها مشرک بوده و با سپردن این پیمان، نمی‌توانند پدران خود را در دنیا بهانه قرار دهند.

مضمون و دلالت روایات، کاملاً با هم متفاوت است، بدین صورت که برخی با تفاسیر مربوط به عالم ذر و برخی با تفاسیر مربوط به عالم ارواح و برخی به بعضیه بودن آیه یعنی مشرکان و ... و حتی برخی روایات با هیچ کدام از نظرات به صورت مشخص و صریح سازگاری ندارد.

در این بخش چندین موضوع برداشت شده از احادیث مختلف با ذکر متن برخی روایات و بررسی سندی آن‌ها ذکر خواهد شد. روایات عالم ذر از محتوای بسیار مهمی برخوردارند به گونه‌ای که خواننده خود را در شگفتی فرومی‌برند، از این رو یکی از نکاتی که در آغاز مطالعه آن‌ها به ذهن می‌رسد این است که اسناد این روایات چگونه است و تعداد آن‌ها به چه اندازه است؟

پاسخ به این پرسش‌ها به علم‌الحديث مربوط می‌شود و آن علم به قواعدی است که به وسیله آن‌ها سند و متن حدیث مورد شناسایی قرار می‌گیرد. روایات عالم ذر که در حدود چهل روایت یا بیشتر است، وقتی بعضی به بعضی دیگر برگشتند و در واقع یک مفهوم بوده و به شکل‌های مختلف ذکر شده است شاید بیش از ده روایت نماند؛ زیرا بسیاری از این روایات از یک راوی است و اگر ده روایت را یک راوی نقل کرد

این یک روایت است. انسان خیال می‌کند که ۳۷ روایتی که در تفسیر برهان با ۳۰ روایتی که در تفسیر نورالثقلین درباره عالم ذرّ وارد شده است ۶۷ روایت است و مستفیض یا متواتر است ولی در مرحله دوّم که بررسی می‌کند می‌بیند خیلی از این‌ها مکرر است. مرحله سوّم که بررسی می‌کند می‌بیند که به سه چهار کتاب می‌رسد، مرحله چهارم که بررسی می‌کند می‌بیند که این چهار تا کتاب مال سه نفر است، مرحله پنجم که بررسی می‌کند می‌بیند راویان این‌ها مشترک‌اند و به یک یا دو نفر می‌رسد.

#### ۴- نتیجه‌گیری

به‌اختصار می‌توان گفت که در روایات و احادیث فراوانی به حضور تمامی انسان‌ها در عالمی به نام عالم عهد و میثاق تصریح شده است و اینکه در زمانی قبل از این دنیا، خداوند معرفت حضوری خود را در درون انسان‌ها قرار داده است به‌گونه‌ای که به بیان روایات اگر حضور در این عالم نبود، انسان‌ها هرگز راهی برای شناخت خداوند نداشتند، و حتی به گفته برخی مفسران، این روایات در حد تواتر می‌باشند. با بررسی حدیث شناسانه در این پژوهش به این غایت رسیده شد که اولاً تنها یک نظر با تکیه بر روایات وجود ندارد بلکه چند دیدگاه موجود است شامل یک مقصود آیه، همه فرزندان بنی‌آدم نیستند، بلکه گروهی خاص بر این پیمان بوده‌اند که پدرانی مشرک داشته‌اند و آدمیان از ظهور بنی‌آدم خارج نشده، بلکه از صلب خود آدم خارج شده‌اند. دو بحث خاص بعد از آدم مطرح است و این افراد قوم بنی‌اسرائیل هستند. و سوم نظریه مشهور این است که خداوند هنگام آفرینش آدم، تمام فرزندان آینده او را به‌صورت موجودات ریز درآورد و به آنان گفت: (أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟) آنان گفتند: «بلی»، سپس همگی را به صلب آدم بازگردانید. و درنهایت روایاتی رسیده که بر این صراحت دارند که ارواحی که قبل از بدن‌ها وجود داشته، دارای عقل و شعور بوده‌اند و خداوند متعال خود را به آنان معرفی کرده است. پس ایمان مؤمن و کفر کافر بعد از معرفت و دلیل روشن بوده است و اختلاف ارواح در ایمان و کفر، بعد از معرفی خداوند متعال به آنان بوده است. اما باید توجه داشت که به هرکدام انتقاداتی هست و به خود روایات و تواتر آن‌ها نیز نقد وارد است. پس خود دیدگاه‌های مبتنی بر روایات هم دچار اضطراب و گونه‌گونی است. و از طرفی روایات در حد احادیث متواتر نیستند، بلکه بسیاری با سند ضعیف و دارای معانی مضطرب هستند که موجب شده هر مفسری در تأیید نظر خود از برخی از این احادیث بهره بگیرد. از کنار هم قرار دادن احادیث مربوط به عالم ذرّ مشاهده شد که در موضوعات مختلف بیان شده و دارای اضطراب در متن بوده، و از طرفی هر مفسر در تأیید کلام خود توانسته از دسته‌ای از احادیث بهره گیرد. لذا یک نظر منسجم نیست که متکی بر روایات باشد و نتوان نقد کرد. زیرا نظرات که متفاوت باشد نشان می‌دهد که روایت هم مضطرب است و هم قابل‌برداشت به نحوهای

مختلف می‌تواند باشد.

## منابع

قرآن کریم (ترجمه محمد مهدی فولادوند)

- ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین، (۳۸۱ق)، صدوق. التوحید، بی تا.
- ابن جوزی، عبدالرحمن، (۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. به کوشش عبدالرزاق المهدی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل، (۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. کوشش محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آلوسی، السید محمود، (۴۰۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث، الطبعة الرابعة.
- امین، نصرت، (۱۳۶۱ش). مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- اندلسی، عبدالحق ابن عطیه، (۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز. به کوشش، عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اورنگ، زهرا، (۱۳۸۷ش). بررسی بازتاب آیه الست در آثار شاخص تفسیری و عرفانی تا پایان قرن هشتم. کارشناسی ارشد، راهنما: ابراهیم شفق، دانشگاه بوعلی سینا.
- بحرانی، سید هاشم، (۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- برقی، احمد بن محمد، (۲۷۳ق). محاسن. تهران، نشر طهران.
- بغدادی، علاء الدین علی، (۴۱۵ق). لباب التاویل فی معانی التنزیل. به کوشش تصحیح محمد، علی شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، به کوشش محمد عبد الرحمن - المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۴۱۸ق). الفصول المهمه فی أصول الأئمة (تکمله، الوسائل). قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا<sup>(ع)</sup>، چاپ اول.
- زمخشری، محمود، (۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۷۳ش). منشور جاوید. قم: مؤسسه امام صادق<sup>(ع)</sup>.
- ستوده‌نیا، محمد رضا، (۱۳۹۰ش). جایگاه سیاق در تفسیر آیات. فدک سبزواران، سال دوم، (شماره ۸): ۷۳-۸۹.

- سجادی، سید مرتضی، (۱۳۹۴ش). بررسی آرای مفسرین معاصر فریقین در تفسیر آیه ذر، استاد راهنما: محمد هادی مفتاح، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.
- سلیمانی، محمد علی، (۱۴۱۳ق). عالم ذر. قم: مؤسسه نشر فرهنگ دینی.
- شوکانی، محمد، (۱۴۱۴ق). فتح القدیر. دمشق، بیروت: دار الکتب الطیب.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۱ش). عرشیه. ترجمه: غلامحسین آهنی، تهران: انتشارات مولی.
- طبرسی، ابن علی الفضل، (۱۹۹۵م). مجمع البیان. تهران: انتشارات ناصر خسرو، دوم.
- طبری جریر، محمد، (۱۳۹۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- طیب، سید عبد الحسین، (۱۳۷۸ش). اطبیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- عراقی، عبدالنبی، (۱۳۸۲ش). روح ایمان. تحقیق ناصر باقری هندی، بنیاد پژوهشهای علمی فرهنگی نورالاصفیاء.
- عروسی حویزی، (۱۴۱۵ق). عبد علی بن جمعه. تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- علم الهدی، علی بن الحسین، (۱۴۱۰ق). رسائل الشریف المرتضی (سید مرتضی). قم: دارالقرآن الکریم.
- علم الهدی، علی بن الحسین، (۱۳۲۵ق). غرر الفوائد (امالی المرتضی). قاهره، دار الفکر العربی.
- علی پور، احسان، (۱۳۹۱ش). تحلیل و بررسی روایات مربوط به عالم ذر. کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی اکبر کلانتری، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم انسانی.
- عمر، ناصر بن سلیمان، (۱۴۱۳ق). العهد و الميثاق فی القرآن الکریم. عربستان سعودی: دارا العاصمة.
- فخرالدین الرازی، (۱۴۱۱ق)، تفسیر کبیر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷ش). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش). تفسیر قمی. به کوشش طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب.
- کاشانی، ملا فتح الله، (۱۳۳۶ش). منهج الصادقین فی الزام المخالفین. تهران: کتابفروشی محمد حسن، علمی.
- کریمی، عبدالهادی، (۱۳۸۲ش). عالم ذر. دکتری (سطح ۴ حوزه)، استاد راهنما: احمد عابدی، حوزه علمیه فیضیه قم.
- مروارید، حسنعلی، (۱۴۱۸ق). تنبیهات حول المبدأ و المعاد. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۷۰ش). مرآة العقول. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ش). بحار الانوار. لبنان: مؤسسه الوفاء، چاپ اول.

- مفید، محمد، (۱۴۲۴ق). اجوبه المسائل السروریه. قم: الموتر العالمی لالفیه الشیخ المفید، بی تا.
- مفید، محمد، (۱۴۱۳ق). المسائل العکبریّه. قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد، (۱۴۲۴ق). تفسیر القرآن المجید. به کوشش سید محمد علی ایازی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۳۱۳ق). تصحیح الاعتقاد. قم، کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۳ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نیشابوری، محمود بن ابو الحسن، (۱۴۱۵ق). إيجازالبیان عن معانی القرآن. به کوشش حنیف بن حسن القاسمی، بیروت: دار الغرب الاسلامی .